

[XII] - «المحدث اذا.../نویدید چون با دیرینه»؛ «لین موضوع از مقوله «ربط حادث به قدیم» است که از لحاظ مذاهب کلاسی و مکاتب فلسفی و مسائک عرفانی، تقی با آن متفاوت است. بدیهی است تنقل صاحب رساله بدان، بابی از نظر عرفانی بوده باشد، که گویا یکی از آنطه قیاسی در لین باب و حاکی از نیستی نویدید^۱ در ارتباط با هستی دیرینه^۲ و عدم اشتراک با آن است، چنانکه عین اقتضای حدیث، بدین مضمون، بیان کرده:

«پس میان هیچ دو حادث هرگز آن تفاوت نتواند بود که میان قدیم است و حادث، که هر کدام از دو حادث که تو خواهی در حدّ حدوث مشترک باشند، و قدیم را یا حادث البته به قلیل و کثیر هیچ اشتراکی نیست. و اگر گویی قدیم و حادث در معنی وجود اشتراکی دارد این لفظی بزرگ است و سهوی عظیم و خطای فاحش، چو آنرا «قدیم را وجود ضرورت است به خود و حادث را عدم ضرورت است به خود، پس چگونه مشترک باشند در وجود؟ ... توضیح لین نظریه در مقدمه «زهد» است» (ص ۵۷-۵۸) نیز آمده است.

(۱) و (۲) - «واضعای فارسی «نویدید» و «دیرینه» را در مقابل و معادل «حادث» و «قدیم»، خزانه تفسیرالدین طوسی در «تعمیر الاصول» (نهاد ۱۳۵۸ تهران، ص ۱۵) بکار برده است، و من از او گرفته ام. (پ ۱).

تصویر صفحه ای از کتابی که یکی از دانشگاههای کشور در سال ۱۳۷۰ منتشر کرده است.

بدون شرح:

مرحوم سعید نفیسی در شرح حال شیخ صدوق که در آغاز مصادقة الاخوان چاپ شده، گوید:

«ابوجعفر [صدوق] و ابو عبدالله به روایتی از ام ولد و به روایت دیگر از کنیزکی دیلمی به جهان آمده اند.»

(مصادقة الاخوان، ص ۱۵، مقدمه)

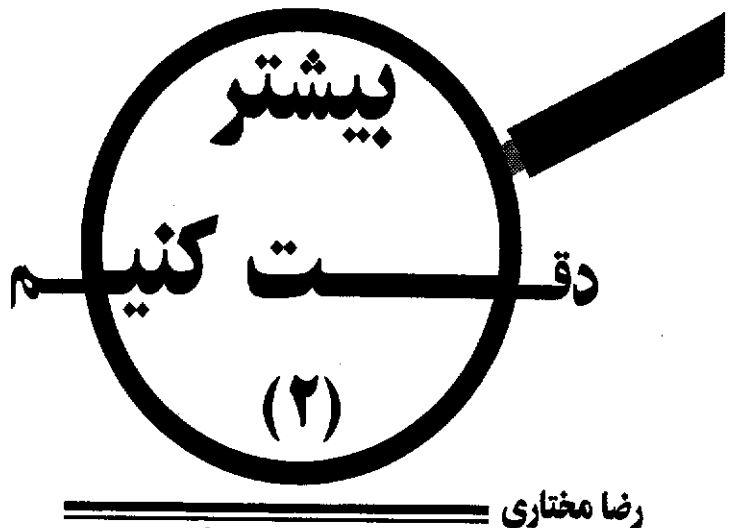
«... از یک مادر بوده اند و پیش از این هم اشاره رفت که به روایتی مادرشان ام ولد نام داشته، و به روایتی دیگر کنیزکی دیلمی بوده است.»

(مصادقة الاخوان، ص ۱۸، مقدمه).

«زاقی» به جای نراقی

زرکلی در اعلام (ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱)، سرگذشت مولی احمد نراقی- قده- را ذیل عنوان «الزاقی» آورده و ضمن شرح حالش می گوید الاحمد مهدی بن ابی ذر الکاشانی الزاقی، و نیز: «توفی بقربة الزاق من قری کاشان». یعنی سه بار- یک بار در عنوان سرگذشت و دو بار در خود سرگذشت- از نراقی با تعبیر «زاقی» یاد کرده است.

همچنین در (ج ۳، ص ۴۰) ذیل حرف «ز» از وی با عنوان «الزاقی» یاد کرده و به احمدبن مهدی ارجاع داده است. مورد اخیر شاهد آن است که این اشتباهی چاپی نیست!

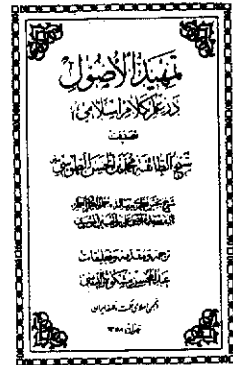


آمده، برای پی بردن به این که نویدید است پس است، و این سخن را از آن دو نمی توان گفت که دانستن این که چیزی تازه به وجود آمده از دانستن این که پیش از آن نبوده جدا نمی شود؛ زیرا پی بردن به نویدید بودن چیزی، تنها این نیست که بدانند آن چیز وجود دارد برای این که موجود به دو بخش می شود: یکی آن که تازه به وجود آمده، و دیگری آن که تازه به وجود نیامده است؛ پس ناگزیر باید دانست هنگامی چیزی تازه به وجود آمده که پیش از آن موجود نبوده است.^(۱)

و نیز، اگر چنین بناداریم که چیزی در گذشته های بلا آغاز بوده است و نیست گردیده و پس از آن از نوهستی یالته است آن راهنتی دوباره از نو پدید می شوند دانسته ایم؛ هر چند روا داشته ایم که هستی دیرینه باشد؛ پس ناگزیر باید بدانیم در گذشته های بلا آغاز نبوده و از آن پس بود شده است، نادرست باشد که نویدیدش بدانیم.

اکنون که معنی نویدید بودن، استوار گردید، آنچه را که سیمرغی آورد به روشن شدن چهار چیز نیاز دارد:

تصویر ۱۵ ترجمه تمهید الاصول شیخ طوسی



تصویر روی جلد تمهید الاصول شیخ طوسی

چنانکه ملاحظه می شود اولاً نویسنده شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) را با خواجه طوسی (متوفای ۶۷۲) اشتباه گرفته است. زیرا تمهید الاصول تألیف شیخ طوسی است نه خواجه طوسی. ثانیاً تمهید الاصول عربی است نه فارسی و جناب آقای دکتر مشکوة الدینی آن را به فارسی ترجمه کرده که در سال ۱۳۵۸ چاپ شده است.

بنابر این اصطلاح نویدید و دیرینه نه از شیخ طوسی است و نه از خواجه طوسی.